

رابطه پایبندی مذهبی و سبک های هویت با کارآمدی خانواده

The Relationship of Religious Commitment and Identity Styles with Family Efficiency

ک. سید جواد موسوی / کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم (نویسنده مسئول)، sjm4307@gmail.com،
نجیب الله نوری / استادیار گروه روان شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، noori1351@gmail.com،
جعفر جدیری / دکتری روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، jjafar138@gmail.com

Sayyid Jawad Musawi / MA of Consultation and Guidance / University of Ethics and Education, Qom
Najibullah Nuri / Assistant Professor of Psychology / al-Mustafa International University, Qom
Ja'far Jodeyri / PhD in Psychology / Imam Khomeini Educational and Research Institute

ABSTRACT

The present study aims at investigating the relationship of religious commitment and identity styles with family efficiency. It was of descriptive type and was conducted through a correlational method. The statistical population was composed of all male and female seminary students and university students in Islamic Azad University in Qom. For the research sample, 388 subjects were selected. The participants presented some of the demographic specifications, and answered the following questions: JRAQ, ISI-6G, and SFEQI. The findings show that family efficiency is positively correlated with religious commitment and informational identity styles and is negatively correlated with religious non-commitment and dualism. The results of regression analysis showed that religious commitment and dualism as well as informational identity style is able to predict family efficiency.

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه پایبندی مذهبی و سبک های هویت با کارآمدی خانواده است. این پژوهش، از نوع توصیفی است که با استفاده از روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه طلاب مرد و زن و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر قم می باشند. نمونه پژوهش، ۳۸۸ نفر به صورت در دسترس، انتخاب شد. شرکت کنندگان ضمن ارائه برخی مشخصات جمعیت شناختی، به پرسش نامه های پایبندی مذهبی (JRAQ)، سبک های هویت (ISI-6G) و کارآمدی خانواده (SFEQI) پاسخ دادند. یافته ها نشان می دهد که کارآمدی خانواده با پایبندی مذهبی و سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی مثبت و با ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی همبستگی منفی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که پایبندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی و همچنین

KEY WORDS: religious commitment, identity styles, family efficiency.

سبک هویت اطلاعاتی، توان پیش‌بینی کارآمدی خانواده را دارند.

کلیدواژه‌ها: پایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی، سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، کارآمدی خانواده.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهاد‌های جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی، خانواده است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده است (لاک^۱ و ویلیامسون^۲، ۱۹۵۸، به نقل از: صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). «کارآمدی خانواده»^۳ عبارت است از: ایفای مناسب نقش‌ها و وظایف خانواده در برابر اعضای خود و به عبارت دیگر، تحقق تکالیف که توسط اعضا و زیرمنظومه‌های آن صورت می‌گیرد (هی‌لی^۴، ۱۳۷۵). خانواده‌ها از جهات گوناگون با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ از جمله می‌توان به تفاوت‌های موجود در حل مسئله، نحوه ارتباطات، چگونگی ایفای نقش‌ها، شیوه و میزان پاسخگویی عاطفی، میزان آمیختگی عاطفی و الگوی کنترل رفتار (ریان^۵، اپستین^۶، کیترنر^۷، میلر^۸ و بیشاپ^۹، ۱۳۹۰) اشاره کرد. مشاهده این تفاوت‌ها در کارکرد خانواده منجر به ارائه مفاهیمی مانند خانواده سالم، بهنجار و کارآمد شد. وجه مشترک این مفاهیم عبارت است از: اینکه خانواده بتواند با فشارهای روانی، تعارضات و مشکلات مقابله کند و نقش‌ها، وظایف و کارکردهایش را تحقق بخشد (مینوچین^{۱۰}، ۱۳۷۳).

«خانواده کارآمد»، از منظر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. طبق این دیدگاه، خانواده کارآمد خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم می‌شود (صفورایی، ۱۳۹۲). براین اساس، مؤلفه‌های کارآمدی خانواده عبارت است از: میزان برخورداری از بینش‌های دینی، پایبندی به اخلاق و میزان پایبندی اعضا به حقوق یکدیگر (حیدری، کریمیان و سالاری، ۱۳۹۴).

۱. Locke, H. J
۲. Williamson, R. C
۳. family efficiency
۴. Haley, J.
۵. Ryan, C.E.
۶. Epstein, N.B.
۷. Kietner, G.I.
۸. Miller, I.W.
۹. Bishop, D.S.
۱۰. Minochin, S

محققان در چند دهه اخیر تلاش کرده‌اند که با تحلیل خانواده‌های موفق، عوامل مؤثر بر کارآمدی خانواده را شناسایی کنند (سلطانی‌فرو و بینا، ۱۳۸۶). در این پژوهش‌ها به عوامل گوناگونی اشاره شده است از جمله: ارتباط متقابل، اعتماد، وفاداری، مدیریت مالی، خانواده و دوستان و ویژگی‌های شخصیتی (صفوراویی پاریزی، ۱۳۸۸). از میان عوامل مختلفی که مورد مطالعه قرار گرفته است، برخی پژوهش‌ها رابطه مذهب با کارآمدی خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند (ماهونی^۱، پارگامنت^۲، جول^۳ و همکاران، ۱۹۹۹؛ کولدول^۴، ۱۹۹۵؛ عبدالله‌پور، مقیمی‌آذری، قلی‌زاده، سیدمهدوی و زکی، ۱۳۸۸). زیربنای نظری آن عبارت است از: اینکه مذهب، شامل آموزه‌هایی برای زندگی و ارائه‌دهنده نظامی از باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌تواند زندگی خانوادگی را متأثر سازد (هانلر^۵ و گنچوز^۶، ۲۰۰۵). در بررسی رابطه دینداری با حوزه خانواده، بیشتر تحقیقات بر رضایت زناشویی متمرکز شده‌اند، از جمله: دادلی^۷ و کوسینسکی^۸ (۱۹۹۰)، مارش^۹ و دالاس^{۱۰} (۲۰۰۱)، روحانی و معنوی‌پور (۱۳۸۷)، حاتمی، حبیبی و اکبری (۱۳۸۸) و پژوهش‌های اندکی، مؤلفه‌های کارآمدی خانواده را مدنظر قرار داده‌اند. در این زمینه، پژوهش کولدول (۱۹۹۵) نشان داد که انجام فریضه‌های دینی منجر به افزایش سطح کارکرد خانواده می‌شود و بر بُعد انسجام خانواده مؤثر است. عبدالله‌پور و همکاران (۱۳۸۸)، نشان دادند که دخالت دادن دین در انتخاب‌ها و تصمیم‌ها با همه ابعاد کارکرد خانواده به جز ارتباط، همبستگی معناداری دارد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مذهبی بودن نمی‌تواند حل مسئله را در زوجین افزایش دهد (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵).

چگونگی اثرگذاری دین و مذهب بر کارکرد خانواده موجب شده است که پژوهشگران از زوایای گوناگون به تبیین این مسئله بپردازند. برخی به مذهب به عنوان عاملی برای کنترل اجتماعی نگریسته‌اند، به این معنی که مذهب رفتارها و اعمال فردی و بین فردی غیرقابل قبول را منع می‌کند. برخی دیگر، مذهب را مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و اعمال اجتماعی می‌دانند که باعث تقویت هویت‌های نقش اصلی در خانواده شده و معنای خاصی برای هر یک از این نقش‌ها قائل می‌شود که منجر به رضایت خاطر در افراد ایفاکننده این نقش‌ها می‌گردد. برخی به ویژگی مقابله‌گری مذهب با تنیدگی‌ها و حوادث و مشکلات زندگی و خانوادگی پرداخته‌اند (خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۹۱). اما مذهب، جنبه‌های دیگری نیز دارد که در زندگی خانوادگی مؤثر است.

۱. Mahoney, A
 ۲. Pargament, K. I
 ۳. Jewel, T
 ۴. Coldwell, K. J,
 ۵. Hunler, O. S
 ۶. Genc, OZ, T.I
 ۷. Dudley, M. G
 ۸. Konsinski, F. A., Jr
 ۹. Marsh, R
 ۱۰. Dallos, R

به نظر می‌رسد جنبه دیگری از مذهب که با کارآمدی خانواده در ارتباط است، نقش مذهب در هویت‌یابی افراد است (اسپیلکا^۱، هود^۲، هونسبرگر^۳ و گرساچ^۴، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷). هویت عبارت است از: پاسخ‌های صریح و ضمنی به این سؤال که شما چه کسی هستید؟ (ویگنولز^۵، شوارتز^۶ و لویکس^۷، ۲۰۱۱). هویت، یک مفهوم سازمان‌یافته از خود است که ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد به آنها پایبند است، تشکیل شده است و کارکرد آن ایجاد تعادل میان خود و دیگران است (اریکسون^۸، ۱۹۶۴، به نقل از: هاشمی و جوکار، ۱۳۸۹). دین می‌تواند سهم مهمی در فرایند ایجاد هویت مطمئن داشته باشد، مثلاً با کمک کردن به تبیین مسائل وجودی، با ایجاد حس تعلق، و با فراهم آوردن فرصتی نهادینه برای افراد تا به نوعی جهان‌بینی (وفاداری) دینی ملتزم شوند (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

میزان اثرپذیری کارآمدی خانواده از چگونگی هویت افراد، مسئله‌ای است که نیاز به بررسی دارد. به لحاظ نظری تشکیل هویت می‌تواند کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا از مشخصه‌های اصلی هویت، انتخاب ارزش‌ها، باورها و هدف‌های زندگی است (بخشایش و رضایی‌مقدم، ۱۳۹۰). کسب هویت امن باعث می‌شود افراد به جست‌وجوی روابط صمیمی و محبت‌آمیز برآیند و در برقراری روابط بهتر عمل کنند. اریکسون (۱۹۸۲)، صمیمیت بالیده و حقیقی را تنها پس از تثبیت حس معقولانه هویت میسر می‌داند؛ چرا که یکی از شروط رابطه نزدیک بین دو نفر این است که باید نخست هویت هر یک شکل گیرد (به نقل از: دانش‌پور، تاجیک اسماعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری، ۱۳۸۶). پس از تثبیت احساس هویت و احساس تعهد نسبت به ارزش‌ها و اهداف، افراد برای تعهدات میان‌فردی آماده می‌شوند، همچنان‌که بر اساس تحقیقات، تشکیل هویت، درگیری در مشارکت متعهدانه در زندگی زناشویی را قویاً پیش‌بینی می‌کند (برک^۹، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱). علی‌رغم نقش هویت به لحاظ نظری در کارآمدی خانواده، تحقیقات زیادی در این زمینه انجام نگرفته است. افراد در نحوه تشکیل هویت و دریافت اطلاعات مربوط به خود روش‌های متفاوتی دارند، یکی از نظریات نسبتاً جدید در این زمینه که توسط برزونسکی^{۱۰} (۱۹۹۰، ۲۰۰۴) مطرح شده است، بیان می‌کند که این تفاوت‌ها را می‌توان در قالب سه نوع جهت‌گیری پردازش شناختی-اجتماعی یا «سبک هویت» مطرح کرد که عبارتند از: «سبک اطلاعاتی»^{۱۱}، «سبک هنجاری»^{۱۲}، «سبک مغشوش /

۱. Spilka, B.

۲. Hood, Jr, R W.

۳. Hunsberger, B.

۴. Gorsuch, R.

۵. Vignoles, V. L

۶. Schwartz, S. J

۷. Luyckx, K

۸. Erikson, E. H.

۹. Berk, L

۱۰. Berzonsky, M, D.

۱۱. informational style

۱۲. Formative style

اجتنابی»^۱. دسته اول، همواره در جست‌وجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود هستند. دسته دوم، با افراد مهم زندگی‌شان هم‌نواپی می‌کنند، در مقابل تهدیدات بالقوه از پاسخ‌های قبلی استفاده می‌کنند و دست به تحریف شناختی می‌زنند و سعی در حفظ موجودیت قبلی خود دارند. دسته سوم، بر اساس تقاضاهای موقعیت، واکنش نشان می‌دهند (امیدیان، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

شواهد تجربی نشان می‌دهد که سبک هویت اطلاعاتی با سلامت روانی (نورمی^۲، برزونسکی، تامی^۳ و کینی^۴، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳)، رضایت زناشویی (معارف، خلیلی، حجازی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۳)؛ تعهد زناشویی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴) رابطه مثبت و معناداری دارد. رویکرد شناختی-اجتماعی به هویت، در بررسی نقش آن در کارآمدی خانواده به این سؤال پاسخ می‌دهد: آیا افرادی که فعالانه در جست‌وجوی اطلاعات مربوط به خود بوده و سعی در شناخت خود دارند، در مقایسه با کسانی که از سبک هنجاری برخوردار بوده و با افراد مهم زندگی خود هم‌نواپی می‌کنند، و افرادی که جهت‌گیری اجتنابی و سردرگم دارند، دارای خانواده کارآمدتری هستند؟

با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش درصدد است که رابطه پایبندی به مذهب و نیز انواع سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی را به دست آورد و از این طریق این سؤالات مورد بررسی قرار گیرد که پایبندی افراد به مذهب چه تأثیری بر کارآمدی خانواده دارد؟ جهت‌گیری‌های گوناگون در ساخت هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و اینکه هر یک از متغیرهای پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به تنهایی، و نیز در مجموع، چه میزان از کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه طلاب (تمام سطوح) مرد و زن حوزه علمیه قم و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (تمام مقاطع تحصیلی) متأهل شهر قم که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل هستند، تشکیل می‌دهد. نمونه مورد مطالعه نیز شامل ۳۸۸ نفر می‌باشد که از این میان، ۲۳۳ نفر دانشجوی و ۱۵۵ نفر طلبه و تعداد ۱۳۳ نفر مرد و ۲۵۵ نفر زن بودند. نمونه مورد پژوهش با توجه به محدودیت زمانی و مشکلات دسترسی به افراد متأهل (در جامعه دانشجویان) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند، به این صورت که با مراجعه به محل برگزاری دروس حوزوی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی پس از احراز رضایت جهت شرکت در آزمون و ارائه توضیحات لازم، نمونه‌گیری انجام شد. ابزارهای پژوهش عبارتند از:

۱. diffuse-avoidant style

۲. Nurmi, J. E

۳. Tammi, K

۴. Kinney, A

مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده (فرم تجدید نظر شده): پرسش نامه «کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام، (SFEQI)، یک ابزار ۶۰ سؤالی است که برای سنجش کارآمدی خانواده با استناد به آیات و روایات اسلامی ساخته شده است. فرم اولیه این پرسش نامه توسط صفورایی پاریزی (۱۳۸۸) تهیه و دارای ۷۹ سؤال بوده است. صفورایی پاریزی و همکاران (۱۳۹۴)، روایی و پایایی نسخه تجدیدنظرشده مقیاس اولیه کارآمدی خانواده را در نمونه‌ای ۵۹۰ نفری مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان داد که با حذف ۱۹ گویه، پایایی مقیاس (آلفای کرونباخ) به حداکثر خود خواهد رسید. بنابراین، در نسخه تجدیدنظرشده، تعداد سؤالات از ۷۹ سؤال به ۶۰ سؤال کاهش یافته است. جهت بررسی پایایی (همسانی درونی) پرسش نامه ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰٫۹۶ درصد محاسبه شده است که بیانگر همسانی درونی مناسب این مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ برای هشت عامل این مقیاس عبارتند از: رعایت حقوق (۸۷ درصد)، رضامندی و رشد (۹۲ درصد)، رابطه عاطفی و کلامی (۸۰ درصد)، اندیشه دینی (۸۵ درصد)، مسئولیت پذیری و مشارکت (۶۷ درصد)، رفتار دینی (۸۳ درصد)، اعتماد و بخشش (۷۴ درصد)، صداقت (۵۵ درصد).

پرسش نامه پایبندی مذهبی: این پرسش نامه، آزمونی است که برای سنجش رفتارهای انسانی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج البلاغه ساخته شده است و دارای سه خرده‌مقیاس است: پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی. روش تحلیل عاملی نشان داد که پایایی کل آزمون معادل ۸۱ درصد است. پایایی هر یک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۸۷ درصد، ۶۸ درصد، ۷۲ درصد و میانگین پایایی همه خرده‌مقیاس‌ها ۷۶ درصد است. برای بررسی روایی محتوا، همه گویه‌هایی که میزان مربوط بودن آنها از نظر دو نفر از داوران تأیید نشده بود و یا نمره نهایی آن پس از محاسبه نظر داوران، کمتر از ۷۵ درصد بود، ابتدا حذف شد و پس از تقلیل متناوب گویه‌ها، فرم نهایی با ۶۰ سؤال مورد تجزیه و تحلیل عاملی قرار گرفت. برای روایی سازه، ابتدا با داده‌ها ۶۸۳ نفر مورد تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار گرفت. میزان مناسب بودن یا کفایت گروه نمونه با آزمون کیسِر^۱ و الکین^۲ (KMO) بررسی شد و عدد ۰٫۸۹/۷ به دست آمد (جان بزرگی، ۱۳۸۸).

پرسش نامه سبک‌های هویت (IS, ۶G): پرسش نامه سبک هویت جهت ارزیابی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسش نامه دارای ۴۰ سؤال است که ۱۱ سؤال مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس سردرگم/اجتنابی و ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس تعهد است

۱. keiser

۲. meyer

۳. olkin

۴. Identity Styles Inventory, 6th Grade Reading Scales (IS, 6G)

که جهت تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و خود یک سبک هویت مجزا محسوب نمی‌شود. وایت و همکاران (۱۹۹۸)، فرم تجدیدنظر شده‌ای از آن را ارائه کردند (۶G-ISI) که در ایران توسط غضنفری (۱۳۸۳)، هنجاریابی شد. بدین منظور، پرسش‌نامه سبک هویت و مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-۲۸) به‌طور همزمان در نمونه‌ای متشکل از ۱۸۳۲ آزمودنی، اجرا شد و یافته‌ها، بیانگر روایی پرسش‌نامه سبک هویت می‌باشد. برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی پرسش‌نامه سبک هویت، ضریب آلفای کرونباخ بر روی داده‌های نمونه اصلی (N=۱۸۳۲) محاسبه شد، ضرایب همسانی پرسش‌نامه به این صورت به دست آمد: کل پرسش‌نامه، ۷۳ درصد؛ سبک هویت اطلاعاتی، ۶۷ درصد؛ سبک هویت هنجاری، ۵۲ درصد؛ سبک هویت سردرگم یا اجتنابی، ۶۲ درصد؛ مقیاس تعهد، ۵۷ درصد (غضنفری، ۱۳۸۳). در این پژوهش، از این مقیاس استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش آماری همبستگی پیرسون و برای بررسی توان پیش‌بینی، از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

برای تعیین همبستگی بین پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۱، نتایج بررسی رابطه پایبندی مذهبی با کارآمدی خانواده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده (n=۳۸۸)

کل کارآمدی خانواده	صدقات	اعتماد و بخشش	رفتار دینی	مسئولیت‌پذیری و مشارکت	اندیشه دینی	رابطه عاطفی و کلامی	رضامندی و رشد	رعایت حقوق	پایبندی مذهبی
۰/۴۲۳**	۰/۳۳۳**	۰/۳۲۷**	۰/۵۷۵**	۰/۳۱۸**	۰/۵۳۱**	۰/۲۳۹**	۰/۲۳۱**	۰/۳۴۰**	پایبندی مذهبی
-۰/۴۳۲**	-۰/۳۵۸**	-۰/۴۱۳**	-۰/۲۳۳**	-۰/۳۱۲**	-۰/۳۸۱**	-۰/۲۵۹**	-۰/۲۳۵**	-۰/۴۲۹**	دوسوگرایی مذهبی
-۰/۳۹۳**	-۰/۳۱۹**	-۰/۳۴۹**	-۰/۴۵۷**	-۰/۲۷۱**	-۰/۴۰۳**	-۰/۲۰۲**	-۰/۵۲۶**	-۰/۲۸۶**	ناپایبندی مذهبی
۰/۵۲۱**	۰/۴۱۸**	۰/۴۵۵**	۰/۵۰۱**	۰/۳۷۲**	۰/۵۳۴**	۰/۲۹۲**	۰/۳۴۹**	۰/۴۴۲**	پایبندی کل
۰/۴۲۶**	۰/۳۲۵**	۰/۲۹۸**	۰/۳۵۳**	۰/۳۷۶**	۰/۳۷۷**	۰/۳۴۶**	۰/۲۳۸**	۰/۳۹۶**	جهت‌گیری اطلاعاتی
۰/۳۷۸**	۰/۳۱۷**	۰/۲۶۴**	۰/۳۲۱**	۰/۳۴۱**	۰/۳۵۱**	۰/۲۸۰**	۰/۲۴۷**	۰/۳۲۲**	جهت‌گیری هنجاری
-۰/۵۰۵۸	-۰/۵۸۷	-۰/۵۷۱	-۰/۵۰۵۱	-۰/۵۰۲۱	-۰/۵۰۶۶	۰/۵۰۲۲	-۰/۵۰۴۸	-۰/۵۰۲۴	جهت‌گیری اجتنابی
۰/۴۲۲**	۰/۳۸۳**	۰/۳۸۷**	۰/۳۹۶**	۰/۳۰۹**	۰/۳۸۸**	۰/۲۳۴**	۰/۲۶۱**	۰/۳۵۳**	تعهد

طبق این نتایج، متغیر پایبندی مذهبی با کارآمدی خانواده ($r=0/433$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه مثبت و معنادار دارد. متغیر دوسوگرایی مذهبی با کارآمدی خانواده ($r=-0/432$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه منفی و معنادار دارد. متغیر ناپایبندی مذهبی با کارآمدی خانواده ($r=-0/393$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه منفی و معنادار دارد.

متغیر جهت‌گیری اطلاعاتی با کارآمدی خانواده ($r=0/426$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه مثبت و معنادار دارد. متغیر جهت‌گیری هنجاری با کارآمدی خانواده ($r=0/378$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه مثبت و معنادار دارد. متغیر جهت‌گیری اجتنابی با کارآمدی خانواده رابطه منفی و غیرمعنادار دارد و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه منفی و غیرمعنادار دارد. متغیر تعهد با کارآمدی خانواده ($r=0/422$) و تمامی زیرمقیاس‌های آن رابطه مثبت و معنادار دارد.

برای پاسخ به این پرسش که پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند، از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد، نتایج آن در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت ($n=388$)

ضریب غیراستاندارد	خطای پیش‌بینی	ضریب استاندارد	T	سطح معناداری
۱۳۳/۱۸۱	۱۲/۷۵۴		۱۰/۴۴۲	۰/۰۰۰
-۰/۵۷۹	-۰/۱۳۰	-۰/۲۶۰	-۴/۴۵۷	۰/۰۰۰
-۰/۶۸۹	-۰/۱۵۸	-۰/۲۲۸	۴/۲۷۵	۰/۰۰۰
۰/۷۵۱	۰/۱۸۸	۰/۲۱۱	۴/۰۰۵	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: کارآمدی خانواده

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، هنگامی که زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت در یک مدل برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده قرار می‌گیرند، تنها پایبندی مذهبی ($0/228$)، دوسوگرایی مذهبی ($-0/260$) و جهت‌گیری اطلاعاتی ($0/211$) می‌توانند کارآمدی خانواده را به‌طور معناداری پیش‌بینی کنند.

جدول ۳. ضریب پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مجموع متغیرهای پیش‌بین

Adjusted R Square	R Square	R	Model
۰/۳۴۵	۰/۳۵۷	-۰/۵۹۷	۱

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، متغیرهای پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی و سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم / اجتنابی و تعهد در مجموع، ۳۴ درصد از کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال مبنا و اساس هر اجتماع بزرگتر است. از این رو، پرداختن به عوامل کارآمدی این نهاد ارزشمند، بسیار حائز اهمیت است. در این میان، پایبندی به مذهب و برخورداری از هویت، نقش مهمی در ارتقاء کارآمدی خانواده دارد. این پژوهش، به بررسی رابطه پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده و پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت، پرداخته و درصد پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است.

- آیا پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده رابطه معناداری دارد؟

- پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت به چه میزان کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و معناداری با کارآمدی خانواده دارد، ولی با سبک هویت سردرگم / اجتنابی همبستگی منفی دارد گرچه این همبستگی معنادار نیست. همسو با این نتایج، ثناگویی، جان‌بزرگی و مهدویان (۱۳۹۰) با بررسی رابطه پایبندی مذهبی با الگوهای ارتباطی زوجین نشان دادند که پایبندی مذهبی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت (۰/۲۲) دارد، و این نشان می‌دهد که هرچه پایبندی مذهبی بیشتر باشد، احتمال اینکه الگوی ارتباطی بین زوجین، ارتباط سازنده متقابل باشد، بیشتر است. این نتیجه در راستای پژوهش شمسایی، نیکخواه و جدیدی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که میزان هویت در مردان و زنانی که دارای خانواده کارآمدی هستند، بیشتر از میزان هویت مردان و زنانی است که از کارآمدی خانواده پایین‌تری برخوردارند. نتایج پژوهش باباخانی، اسدی نیازی، علیزاده زکریا و بختیاری ارکسی (۱۳۹۵)، نشان داد که تعهد هویت نقش تعیین‌کننده‌ای در جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی دارد. این یافته با پژوهش زارعی، آذری و هدایتی (۱۳۹۴) که رابطه معناداری بین سبک هویت هنجاری با رضایت زناشویی به دست نیامده است، ناهمسو است. پایبندی به مذهب و کسب هویت، تأثیرات مشابهی در کارآمدی خانواده ایفا می‌کنند. متعهد بودن نسبت به ارزش‌ها و اهداف در زندگی، و پایبندی به ارزش‌هایی که منشأ الهی و دینی دارند، موجب موفقیت فرد در زندگی زناشویی می‌شود. این افراد اهل ذکر و مناجات با خداوند هستند. این باعث می‌شود که در زندگی خود آرامش بیشتری را تجربه کنند، چرا که می‌دانند فقط با یاد خداوند دل‌ها آرامش پیدا می‌کند: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). آرامش در فضای خانواده از جمله

عوامل مؤثر در کارآمدی خانواده است (صفورایی، ۱۳۹۲). همچنین، هویت یافتگی باعث می‌شود که فرد کمتر دچار اضطراب و استرس شود. افرادی که به نوعی تعهد دست یافته‌اند و دچار سردرگمی هویت نیستند، کمتر دچار اضطراب می‌شوند (غضنفری، ۱۳۸۳).

پایبندی مذهبی باعث می‌شود که ارزش‌های دینی و الهی معیار عمل در روابط با همسر باشد و به این ترتیب، از بروز تنش‌ها و تعارضات جلوگیری می‌شود. کسب هویت امن نیز موجب می‌شود افراد به جست‌وجوی روابط صمیمی و محبت‌آمیز بپردازند و باعث می‌شود این افراد در برقراری روابط بهتر عمل کنند. اریکسون (۱۹۸۲)، صمیمیت بالیده و حقیقی را تنها پس از تثبیت حس معقولانه هویت میسر می‌داند؛ چرا که یکی از شروط رابطه نزدیک بین دو نفر این است که باید نخست هویت هر یک شکل گیرد (به نقل از: دانشورپور و همکاران، ۱۳۸۶). پس از تثبیت احساس هویت و احساس تعهد نسبت به ارزش‌ها و اهداف، افراد برای تعهدات میان‌فردی آماده می‌شوند، همچنان‌که بر اساس تحقیقات، تشکیل هویت، درگیری در مشارکت متعهدانه در زندگی زناشویی را قویاً پیش‌بینی می‌کند (برک، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱). هویت یافتگی موجب می‌شود که افراد روابط پایدارتری با همسالان خود برقرار سازند (برزنسکی و کوک، ۲۰۰۵).

نکته دیگر این‌که، اشخاص مذهبی و برخوردار از تعهد به ارزش‌ها، در زندگی به معنا و هدفی دست یافته‌اند. مهم‌ترین مانع دستیابی همسران به محبت و خشنودی زناشویی، مشکل عمومی «بحران معنا» است؛ بحرانی که غرب با فاصله گرفتن از باورها و ارزش‌های دینی، گرفتار آن شده است، در نتیجه افراد با تناقض‌هایی روبرو شده‌اند از جمله: آزادی شخص و امنیت عاطفی، بین استقلال و مسئولیت و بین تنها برای خود بودن و برای دیگران بودن و مشکل بحران معنا، فقط با تعریف مجدد معنا و اهداف زندگی با تکیه بر تعالیم دینی، قابل رفع خواهد بود (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱). پژوهش‌هایی مانند دوریز و سوئنز (۲۰۰۶)، بهادری خسروشاهی و محمود علیلو (۱۳۹۱) نشان می‌دهند سبک هویتی منسجم با معنای زندگی ارتباط مستقیمی دارد.

این یافته‌ها بر اساس نظریه نقش نیز قابل تبیین است. بر اساس نظریه نقش، اعتقادات مذهبی افراد خانواده در تعیین هویت‌های نقش در یک خانواده و روابط و رفتارهای افراد آن خانواده نقش دارند. آموزه‌های دینی، دستورالعمل‌هایی را در رابطه با باورها و رفتارهای مرتبط با نقش‌ها در خانواده فراهم می‌کنند و از پیامدهای منفی تعارضات خانوادگی، با هشدارهایی که می‌دهند، جلوگیری می‌کنند و وظایفی که هر نقش باید ایفا کند را به صورت دقیق مشخص می‌کنند (الیسون، بارتکووسکی و آندرسون، ۱۹۹۹). دین اسلام آموزه‌هایی را در مورد نقش‌های عاطفی و جنسی همسران، بیان می‌کند. از جمله این‌که، همسران را مایه آرامش یکدیگر معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های خداوند آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید. در روایات نیز موارد فراوانی وجود دارد که

براهمیت توجه زن به نیازهای عاطفی شوهرش تأکید شده است. از جمله، پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ستایش از زنان قریش، به مهرورزی آنان نسبت به شوهرانشان به‌عنوان ویژگی برجسته آنان اشاره فرموده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۰). همچنین، گزاره‌های فراوانی در قرآن کریم و منابع روایی وجود دارد که بر لزوم توجه شوهران به نیازهای عاطفی همسرانشان تأکید می‌کند از جمله: آیاتی که به رفتار شایسته شوهر با همسرش دلالت دارند مانند: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَشْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹). در برخی از روایات، محبت شوهر به همسرش از اخلاق پیامبران و از شاخص‌های ایمان به‌شمار آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۹). رابطه پایبندی مذهبی و کارآمدی خانواده در سه حوزه بینشی، اخلاقی و حقوقی قابل تبیین است.

بینشی: ایمان به خداوند به‌عنوان اساسی‌ترین باور دینی نقش بسزایی در کارآمدی خانواده ایفا می‌کند. افراد با ایمان وقایعی که با زندگی آنها مرتبط است را انعکاسی از مشیت الهی می‌دانند (ویلیام جیمز، به نقل از: صفورائی، ۱۳۸۸). این نگاه باعث می‌شود که به جهان خلقت و هستی، خوش بین باشند و آفرینش را هدف دار و زندگی را با معنا بدانند. ایمان به خداوند متعال موجب ایجاد آرامش در زندگی انسان می‌شود، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۲۶): آنگاه خدا سکینت (آرامش) خود را بر پیغمبرش و بر مؤمنان نازل نمود. مؤمنین در مواجهه با مشکلات، با تکیه و اعتماد بر قدرت خداوند متعال، دچار ضعف اراده و دلهره نمی‌شوند و از میزان آسیب‌پذیری آنها به اندازه ایمانی که دارند، کاسته می‌شود. ایمان به خداوند و تعهد به ارزش‌های دینی، موجب می‌شود که فرد در امور زندگی اعتماد و تکیه‌اش بر قدرت خداوند باشد و در سختی‌ها تحمل بیشتری داشته باشد، به اینکه خداوند حامی و پشتیبان اوست و در مشکلات او را یاری می‌کند، ایمان دارد و می‌داند کسی که از خدا بترسد، خدا برایش راه نجاتی از گرفتاری‌ها قرار می‌دهد و از مسیری که گمان نمی‌کند رزق او را تأمین می‌کند: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۲ و ۳).

نکته دیگر، دیدگاه افراد مذهبی به ازدواج و خانواده است که در تبیین این رابطه می‌توان به آن اشاره کرد. افراد مذهبی، به ازدواج به‌منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم کردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر، می‌نگرند (ماهونی، ۲۰۰۵). خانواده‌های مذهبی نسبت به ازدواج و زندگی خانوادگی، دیدگاهی ارزشی دارند و به ازدواج به‌عنوان یک پیمان مذهبی که می‌تواند و باید ادامه یابد، می‌نگرند. با توجه به این نکته، می‌توان گفت که اگر افراد به طور عمیق به معنوی بودن ازدواج خود اعتقاد داشته باشند، به جهت ترس از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه، سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند و در نتیجه، از مشاجرات و بداخلاقی‌ها دوری می‌کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴، به نقل از: خدایاری‌فرد، شهبابی و اکبری زردخانه،

۱۳۸۶). ازدواج در مکتب اسلام، به عنوان بهترین بنا از نظر خداوند، عامل آرامش، محبت و رحمت (روم: ۲۱)، موجب نزول رحمت خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، عامل حفظ دین و طهارت معنوی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷) در نظر گرفته می‌شود. توجه و باور به ویژگی‌های معنوی یک رابطه و نقش، موجب می‌شود که صفاتی متعالی به خود گرفته و به عنوان جلوه‌ای از خداوند نگریسته شود و مقدس خوانده شود (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از: صیدی، نظری و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

اخلاقی: پایبندی مذهبی موجب می‌شود که روابط در بین اعضای خانواده بر اساس محبت و تکریم و احترام متقابل شکل بگیرد. ابراز محبت در گفتار تأثیر عمیقی بر استحکام روابط عاطفی در خانواده برجای می‌گذارد، رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «این سخن مرد که به همسرش می‌گوید: واقعاً تو را دوست دارم، هرگز از قلبش خارج نخواهد شد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳). همچنین، توصیه‌های دینی مبنی بر رعایت حسن خلق در روابط مانند گشاده‌رویی و نگاه با مهربانی، کارآمدی خانواده را در پی دارد (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۷۵). رعایت احترام متقابل نیز سبب استحکام روابط و کارآمدتر شدن خانواده می‌گردد. در منابع دینی از جمله حقوق زن بر مرد، رعایت احترام و تکریم زن ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۴) و زنی که احترام همسر خود را رعایت نکند مورد لعنت قرار گرفته است (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳). شخص برخوردار از ایمان و اخلاق مذهبی به یک عامل کنترل درونی مجهز است که باعث می‌شود، فرد از هرگونه اقدام ظالمانه و مغایر با کارآمدی خانواده اجتناب کند. در روایتی از امام حسن مجتبیٰ † آمده است: «دختر خود را به ازدواج شوهر متدین و پرهیزگار درآورید؛ زیرا چنین شخصی اگر دختری را دوست بدارد، او را گرامی خواهد داشت و چنانچه او را نپسندد، به وی ستم نخواهد کرد» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۴). خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مذهب موجب می‌شود، فرد خودکنترلی بیشتری را تجربه کند. همچنین مذهبی بودن موجب می‌شود فرد از منبع کنترل درونی برخوردار شود (اصغری، کردمیرزا نیکوراده و احمدی، ۱۳۹۲). کسانی که منبع کنترل درونی دارند، علت بروز مشکلات در روابط خانوادگی را به خود نسبت می‌دهند و بیشتر سعی در اصلاح خود دارند و این باعث می‌شود که در زندگی زناشویی، تنش‌های کمتری رخ دهد. مدارا، عفو، بخشش، ایثار و از خودگذشتگی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید است، در کارآمدی خانواده نقش مهمی دارند. افرادی که در مقابل خطای دیگران بخشش و گذشت بیشتری نشان می‌دهند، ارتباطات اجتماعی و خانوادگی سالم‌تری برقرار می‌کنند و روابطشان از استحکام بیشتری برخوردار است. طبق نتایج پژوهش، روابط مطلوب زوجین با پایبندی مذهبی و بخشش همبستگی مثبت و با ناپایبندی مذهبی و دوسوگرایی همبستگی منفی دارد (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵).

حقوقی: یکی از عوامل کارآمدی خانواده، رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است.

اسلام برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی را قرار داده است: ارضای نیازهای جنسی همسران نسبت به یکدیگر، تأمین نیازهای مالی و مخارج زندگی توسط شوهر، آراستگی و پاکیزه بودن و معاشرت نیکو از جمله حقوقی است که بیان شده است (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۵۵). یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده تأمین نیاز جنسی زوجین است. بنابراین، رضایت از روابط جنسی سهم عمده‌ای در تداوم زندگی مشترک ایفا می‌کند و عدم توجه به این نیاز، به میزان قابل توجهی از کارآمدی خانواده می‌کاهد (صفورا بی، ۱۳۸۸).

در تبیین رابطه سبک‌های هویت با کارآمدی خانواده می‌توان گفت: افرادی که دارای سبک هویت اطلاعاتی‌اند به این معناست که در مسائل مربوط به هویت شیوه‌ای علمی و اطلاعات‌مدار دارند، آنها به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و همواره درگیر یک فرایند خود کاوشگر فعال هستند (امیدیان، ۱۳۸۸). روش مقابله مسئله‌محور، سبک معرفت‌شناسی منطقی و برنامه‌ریزی در تصمیم‌گیری رابطه دارد (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). این افراد از تصمیم‌گیری‌های آنی و بر پایه هیجانات و احساسات، خودداری می‌کنند و بیشتر به حل مسائل فکر می‌کنند، به دنبال راه‌حل برای مشکلات پیش آمده در زندگی می‌پردازند و این موجب می‌شود که این افراد در مواردی که خانواده با بحران مواجه می‌شود به خوبی، آنها را پشت سر بگذارند و بهتر بتوانند خانواده را مدیریت کنند. سبک هویت اطلاعاتی با هویت شکل‌یافته ارتباط دارد و افراد دارای هویت شکل‌یافته (موفق) در مسائل زندگی، گزینه‌های مختلف را در نظر گرفته و با توجه به شرایط خود، تصمیم می‌گیرند. از عملکرد شناختی خوبی برخوردارند و وابستگی کمتری به عقاید دیگران برای تصمیم‌گیری‌های خود، نشان می‌دهند (مارسیا، ۱۹۸۰). بسیاری از مشکلات در خانواده ناشی از دخالت دادن تصمیمات افراد خارج از خانواده است، افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی وابستگی کمتری به نظرات دیگران دارند و اجازه نمی‌دهند دیگران برای آنها تصمیم بگیرند. از سوی دیگر، از مشورت با دیگران و کسب اطلاعات در حل مسائل مربوط به خود، خود را محروم نمی‌کنند. رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، روش مقابله مسئله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت، و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات اضطراب، تفکر آرزومندانه و فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳).

کسانی که دارای سبک هنجاری هستند، ارزش‌ها، اهداف و تجویزهای دیگران را درونی‌سازی می‌کنند (برزونسکی، ۲۰۱۱). افراد دارای این سبک هویت به شیوه جزئی و هنجاری عمل می‌کنند، همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی‌شان هم‌نواپی کرده به درون‌سازی ارزش‌های گروه‌های مرجع (مانند یک مکتب مذهبی خاص) تمایل دارند (برزونسکی، ۲۰۰۲).

این یافته از لحاظ نظری، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد. انتظار می‌رفت که سبک هویت هنجاری، با توجه به خصوصیات ذکر شده، با کارآمدی خانواده، همبستگی منفی و یا فاقد رابطه مثبت معنادار

باشد. اما نتایج پژوهش‌های گوناگون درباره ارتباط مثبت سبک هویت هنجاری با مؤلفه‌های بهزیستی روانی مانند عزت نفس، امیدواری، خوش بینی، کارآمدی، هدف‌محوری و خودارزشی (به نقل از: محسن‌زاده، شهرآرای و گودرزی، ۱۳۸۸)، این یافته را توجیه‌پذیر می‌کند. این سبک با پایگاه هویت زودرس در نظریه مارسیا مرتبط است، افراد دارای هویت زودرس، افرادی هستند که روش شناختی متعصبانه و انعطاف‌ناپذیر دارند در نتیجه ارزش‌ها و عقاید والدین و دیگران را بدون اینکه ارزیابی کنند، درونی می‌کنند. در مسائل زندگی مانند شغل، مذهب، سیاست و سایر مسائل توسط دیگران هدایت می‌شوند، جهت‌یابی او بیرونی است، نه درونی، غالباً نقشی را که از سوی اشخاص قدرتمند یا دوستان با نفوذ برای او تجویز می‌شود، قبول می‌کند (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶). این افراد معمولاً شادند (کروگر، ۱۹۹۶).

به نظر می‌رسد، جهت‌گیری بیرونی در سبک هنجاری، بستگی به شرایط فرهنگی دارد، به این معنا که اگر این شخص ارزش‌هایی را درونی کرده است که برای زندگی خانوادگی مفید باشد و بر کارآمدی خانواده بیفزاید، در زندگی زناشویی موفق عمل خواهد کرد و اگر شرایط فرهنگی و عوامل بیرونی شرایط ناسالم و دور از ارزش‌هایی باشد که در جهت تضعیف و تزلزل خانواده عمل می‌کنند، فرد در خانواده کارکرد لازم را نخواهد داشت و به تبع آن، خانواده، کارآمدی مناسب خود را از دست خواهد داد. از سوی دیگر، ابزاری که جهت‌سنجش سبک‌های هویت مورد استفاده قرار گرفته در بیشتر پژوهش‌ها همبستگی معناداری بین نمرات افراد در دو سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی نشان می‌دهد. بنابراین، ابزاری که بر خصوصیات متفاوت سبک هنجاری تأکید کند، نتایج دقیق‌تری به بار خواهد آورد (محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

در تبیین این یافته می‌توان گفت: آنچه در عملکرد خانواده مهم است این است که فرد به تعهدی دست یافته باشد، و روش شناختی - اجتماعی در پردازش اطلاعات مربوط به خود و فرایند هویت‌یابی که افراد برمی‌گزینند، تأثیری بر عملکرد فرد در زندگی زناشویی ندارد. به عبارت دیگر، بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری فرق چندانی در ارتباط با کارآمدی خانواده مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد، پایبندی به اهداف و انتخاب‌هایی که برای آنها سرمایه‌گذاری نموده‌ایم، نتیجه دستیابی به هویت و یکی از زمینه‌های اصلی برقراری روابط رضایتمند در زندگی است. به همین دلیل، افرادی که با هویت پایین و فاقد تعهد به اهداف و انتخاب‌ها و ارزش‌ها وارد زندگی مشترک می‌شوند، احتمالاً با عدم اعتماد و بدبینی بیشتری، روابط بین فردی و عاطفی با همسر خود برقرار می‌کند (شمسایی و همکاران، ۱۳۸۵).

در بررسی رابطه سبک اجتنابی با کارآمدی خانواده، نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک سردرگم / اجتنابی با کارآمدی و تمام زیرمقیاس‌های آن رابطه منفی (به جز در مؤلفه رابطه کلامی) وجود دارد، اما در هیچ یک از زیرمقیاس‌ها، رابطه معنادار به دست نیامد.

این یافته با توجه به ویژگی‌های این افراد قابل تبیین است، افرادی که سبک سردرگم/اجتنابی دارند، از پایین‌ترین و سطحی‌ترین روش هویت‌یابی برخوردارند. این افراد تعهدات و استانداردهای ضعیفی دارند (برزونسکی، ۲۰۱۱)، از پذیرش مسئولیت اجتناب می‌کنند، از مواجهه و کنار آمدن با تعارضات و تصمیمات شخصی اظهار بی‌میلی می‌کنند و رفتارشان بر اساس تقاضاها و پاسخ‌های موقعیتی جهت داده می‌شود، روش مقابله این افراد، شیوه متمرکز بر هیجان است و از راهبردهای ناکارآمد شناختی و تصمیم‌گیری و خودآگاهی پایین برخوردارند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). تحقیقاتی که رابطه این سبک را با سلامت روان بررسی کرده‌اند نشان می‌دهند که جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان‌رنجورخویی، افسردگی و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳). جهت‌گیری اجتنابی با اضطراب و افسردگی رابطه مثبت (غضنفری، ۱۳۸۳) و با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی داشته است (ولوراس و بوسما، ۲۰۰۵). این افراد فاقد تعهدند و در زندگی هدف مشخصی ندارند (شکری، تاجیک اسماعیلی، دانشورپور، غنایی و دشتجردی، ۱۳۸۶). با توجه به این یافته‌ها، عدم وجود ارتباط مثبت بین سبک سردرگم/اجتنابی با کارآمدی خانواده، روشن است و دور از انتظار نیست. مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی متأهلین دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی در ۲۰۰ زوج نشان داد، بین منزلت‌های هویت افراد با توجه به وضعیت طلاق عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. تحلیل واریانس داده‌ها حاکی از تفاوت معنادار بین دو گروه دارا و بدون نشانگان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویتی سردرگم و بحران‌زده بود. همسرانی که در هویت ارتباطی بین فردی سردرگم بودند، بیشتر نشانگان طلاق عاطفی نشان دادند (موسوی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴).

بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت در کارآمدی خانواده با استفاده از رگرسیون گام به گام، نشان داد که وقتی زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و سبک‌های هویت در یک مدل برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده قرار می‌گیرند، تنها پایبندی مذهبی (۰/۲۲۸)، دوسوگرایی مذهبی (۰/۲۶۰-) و جهت‌گیری اطلاعاتی (۰/۲۱۱) می‌توانند کارآمدی خانواده را به طور معناداری پیش‌بینی کنند.

این نتایج با پژوهش جوانمرد، محمدی، پورا کبران، محمدی و موسوی (۱۳۹۴)، محمدی، باباپور و علی‌پور (۱۳۹۳) همسو است. پژوهش جوانمرد و همکاران با استفاده از تحلیل رگرسیون خطی نشان داد که میزان دینداری زنان و مردان، سهم معناداری در تبیین و پیش‌بینی تغییرات (واریانس) کارکرد کلی خانواده دارد. پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳)، نشان داد که از میان سبک‌های هویت، تنها سبک هویت اطلاعاتی قادر است تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند. این

یافته‌ها با پژوهش دانشورپیور و همکاران (۱۳۸۶) همسو است. سبک هویت اطلاعاتی با روابط بین فردی پخته‌تر همراه است. تحلیل رگرسیون چندگانه در تحقیق عبدالله پور و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که دخالت دادن دین در انتخاب‌ها و تصمیم‌ها به صورت معناداری مؤلفه‌های کارکرد کلی، نقش‌ها، حل مسئله، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کل مقیاس کارکرد خانواده در دانشجویان را پیش‌بینی کرده است.

عوامل مختلفی با کارآمدی خانواده ارتباط دارد. ارتباط متقابل، اعتماد، وفاداری، مدیریت مالی، خانواده و دوستان و ویژگی‌های شخصیتی از عوامل مؤثر در کارآمدی خانواده محسوب می‌شوند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲). در این پژوهش، از میان عوامل گوناگون مؤثر در کارکرد خانواده، تنها دو عامل دین و هویت، بررسی شده است. بنابراین، نتایج به دست آمده دور از انتظار نیست.

محدودیت‌های پژوهش

به دلیل طولانی بودن ابزارها، استناد به نتایج حاصل باید با احتیاط صورت گیرد. ممکن است برخی از آزمودنی‌ها، به دلیل حجم زیاد اطلاعات خواسته شده، دچار خستگی شده باشند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است، در نتیجه تعمیم نتایج آن باید با احتیاط صورت گیرد. در این پژوهش، طلاب و دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بنابراین تعمیم نتایج آن به گروه‌های دیگر باید با احتیاط انجام گیرد. سطح سواد از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد که می‌تواند تعمیم‌دهی آن را به افراد با سواد پایین با احتیاط همراه سازد.

پیشنهاد‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، از طریق یک مطالعه همبستگی به دست آمده است، اما از آنجاکه تأثیر باورها و اعمال مذهبی بر کارآمدی خانواده گاه مستقیم است و گاه غیرمستقیم، با توجه به اینکه عوامل مختلفی می‌تواند بر کارآمدی خانواده تأثیرگذار باشد و این پژوهش تنها به دو مورد پرداخته است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی که در آن از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری پیچیده‌ای نظیر مدل معادلات ساختاری و مدل رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده می‌شود، انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی از این قبیل، در نمونه‌هایی با روش نمونه‌برداری دیگر، انجام پذیرد. پیشنهاد می‌شود ارتباط دین و هویت و تعامل این دو و همچنین، چگونگی اثرگذاری دین بر هویت‌یابی افراد، به طور دقیق بررسی گردد.

منابع

قرآن کریم.

- اسپیلکا، برنارد؛ هود و رالف دلیو؛ هونسبرگر، بروس و گرساچ، ریچارد (۱۳۹۰)، روان‌شناسی دین: براساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقانی، تهران: رشد.
- اصغری، فرهاد؛ کردمیرزا نیکوزاده، عزت‌اله و احمدی، لیلا (۱۳۹۲)، «رابطه نگرش مذهبی، منبع کنترل و گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان»، «اعتیادپژوهی، دوره هفتم، ش ۲۵، ص ۱۰۳-۱۱۲.
- امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). هویت از دیدگاه روان‌شناسی، یزد: دانشگاه یزد.
- باباخانی، نرگس؛ اسدی‌نیازی، شادی؛ عزیزاده‌ذکریا، رامین و بختیاری ارکسی، حمید (۱۳۹۵)، «رابطه سبک‌های هویتی با رضایت زناشویی در زوج‌های متأهل شهر تهران»، «مجله اصول بهداشت روانی، سال هجدهم، آبان و آذر ۹۵. ش ۶، ص ۴۷۱-۴۷۷.
- بخشایش، علیرضا؛ رضایی مقدم، مریم (۱۳۹۰). «رابطه دین‌داری و خودشناسی با شکل‌گیری هویت». معرفت، شماره ۱۶۳، ص ۱۱۷-۱۳۲.
- برک، لورا (۱۳۹۳)، روان‌شناسی رشد (از جوانی تا پایان زندگی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۸)، «تأملاتی در باب جامعه‌شناسی خانواده»، در مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- بهداری خسروشاهی، جعفر و محمود علیلو، مجید (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان»، «مطالعات روان‌شناختی، ش ۳۱، ص ۱۴۳-۱۶۴.
- ثناگویی، محمد؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ مهدویان، علیرضا (۱۳۹۰)، «رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی»، «مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره پنجم، ش ۹، ص ۵۷-۷۷.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی براساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، «مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال سوم، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۶.
- جانمرد، غلامحسین؛ محمدی قره‌قوزل، رقیه؛ پوراکیهان، الهه؛ محمدی، حسین و موسوی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی انسجام و کارکردهای خانوادگی در زوج‌ها، براساس عمل به باورهای دین»، پژوهش در دین و سلامت، دوره دوم، ش ۱، ص ۴۱۳۴.
- حاتمی، حمیدرضا؛ حبی، محمد باقر؛ اکبری، علیرضا (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی». روانشناسی نظامی، دوره اول، ش ۱، ص ۱۳-۲۲.
- حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
- حیدری، حسین؛ کریمیان، نادر و سالاری، سمانه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین ترس از صمیمیت و سبک‌های هویتی با تعهد زناشویی افراد متأهل»، خانواده‌پژوهی، دوره یازدهم، ش ۴۱، ص ۷۳-۸۶.
- خدایاری فرد، محمد و عابدینی، یاسمین (۱۳۹۱). خانواده‌درمانی معنوی- مذهبی: تاریخچه، زیر بنای فکری و تجربی، اصول و فنون آن. فصلنامه رویش روان‌شناسی. سال ۱. شماره ۳، ص ۹۵-۱۱۹.
- خدایاری فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶)، «رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، خانواده‌پژوهی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۶۱۱-۶۲۰.

- خدایاری فرد، محمد؛ شهبابی، روح‌الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۸)، «دینداری، خودکنترلی و گرایش به مصرف مواد در دانشجویان»، رفاه اجتماعی، دوره نهم، ش ۳۴، ص ۱۱۵-۱۳.
- دانشورپور، زهره؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزالله؛ شهرآرای، مهرناز؛ فرزاد، ولی‌الله و شکری، امید (۱۳۸۶)، «تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت»، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۴۰۴-۳۹۳.
- روحانی، عباس و معنوی پور، داود (۱۳۸۷)، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشجویان آزاد اسلامی واحد مبارکه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی، سال نهم، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.
- ریان، کریستن ای؛ اپستین، ناتان بی؛ کینز، گابور ای؛ میلر، ایوان دلبیو؛ بیشاب، دوآن اس (۱۳۹۰). خانواده درمانی (ارزیابی و درمان خانواده‌ها). مترجمان: محسن دهقانی و مریم عباسی. تهران: رشد.
- زارعی، اقبال؛ آذری، پریسا و هدایتی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه سبک‌های هویتی و سبک‌های دفاعی با رضایت زناشویی در زوجین استان اصفهان»، کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم: نشر هاجر.
- سلطانی فر، عاطفه و بینا، مهدی (۱۳۸۶)، «بررسی شیوع نشانه‌های افسردگی کودکان دبستانی ۹ تا ۱۱ ساله در تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده»، اصول بهداشت روانی، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۷-۱۴.
- شکری، امید؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزالله؛ دانشورپور، زهره؛ غنایی، زیبا و دستجردی، رضا، (۱۳۸۶)، «تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت»، تازه‌های علوم شناختی، ش ۳۴، ص ۳۳-۴۶.
- شمسایی، محمد مهدی؛ نیکخواه، حمیدرضا؛ جدیدی، محسن (۱۳۸۵). نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی. فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی. شماره ۲. ص ۵۷-۶۷.
- شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی، تهران: علم.
- صادقی، مسعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه و عذرا اعتمادی (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سالم براساس دیدگاه متخصصان خانواده (یک پژوهش کیفی). فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. سال ۵. شماره ۱. صص ۱۴۲-۱۷۰.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، روان‌شناسی و دین، سال دوم، ش ۵. ص ۸۸۵-۱۰.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۲)، «شاخص‌های خانواده کارآمد»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال اول، ش ۱، ص ۲۹-۵۸.
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ حیدری، سید حسین؛ هراتیان، عباسعلی و زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۴)، «بازشناسی ساختار عاملی مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده فرم تجدید نظر شده»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، سال اول، ش ۳، ص ۲۷-۴۳.
- صیدی، محمد سجاد؛ نظری، علی محمد و ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳)، «نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی»، روان‌شناسی و دین، سال هفتم، ش ۱، ص ۴۸-۶۰.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۰۸ق)، مکارم الاخلاق، بیروت: دارالحوراء.
- عبدالله‌پور، نازی؛ مقیمی آذری، محمدباقر؛ قلی‌زاده، حسین؛ سیدمهدوی، میرروح‌الله و علی اشرفی زکی، زینب (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال سوم، ش ۷، ص ۱۵۷-۱۷۶.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳)، «اعتباریابی و هنجاریابی پرسش‌نامه سبک هویت (IS-EG)»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ش ۱۷، ص ۸۱-۹۶.
- قاسمی، سیمین و اعتمادی، عدرا (۱۳۹۵)، «رابطه بین پایبندی مذهبی و بخشش با کیفیت روابط زوجین و خانواده همسر در زنان»، روان‌شناسی و دین، سال نهم، ش ۲، ص ۱۰۹۹۷.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محسن‌زاده، فرشاد؛ شهرآرای، مهرناز و گودرزی، محمود (۱۳۸۸)، «بررسی ارتباط تمایزیافتگی خود با سبک‌های هویت»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۳۲، ص ۹۰۷۳.
- محمدی، شهناز؛ باباپور، تینا و علی‌پور، فرشید (۱۳۹۳)، «نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوجین ۲۰ تا ۴۰ ساله»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۴۹، ص ۱۲۷-۱۴۵.
- معارف، منا؛ خلیلی، شیوا؛ حجازی، الهه و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۳)، «رابطه سبک‌های هویت و نقش‌های جنسیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی»، روان‌شناسی، سال هجدهم، ش ۴، ص ۳۶۵-۳۸۰.
- موسوی، سیده‌فاطمه و رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۴)، «مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی»، پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، سال ششم، ش ۱، ص ۱۱-۲۳.
- مینوچین، سالوادور (۱۳۷۳)، خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه باقر ثنائی، تهران: امیرکبیر.
- هاشمی، زهرا؛ جوکار، بهرام (۱۳۸۹). بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار). دوره ۱۷، شماره ۴، ص ۵۹-۷۴.
- هی‌لی، جی (۱۳۷۵)، روان‌درمانی خانواده، ترجمه باقر ثنائی، تهران: امیرکبیر.
- Berzonsky, M, D, (۱۹۹۰), Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation, In G. J. Neimeyer, (Eds), Advances in Personal Construct Psychology, I, p. 155-186. Greenwich, CT: JAL.
- Berzonsky, M, D, (2002), Identity processing styles, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective, Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: Its Developmental Significance", Groningen, the Netherlands.
- Berzonsky, M, D, (2003), Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research, n. 3, p. 131-142.
- Berzonsky, M, D, (2004), Identity style, parental authority, and identity commitment, Journal of Youth and Adolescence, n. 33, p. 213-220.
- Berzonsky, M, D, (2011), A social-cognitive perspective on identity construction, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds), Handbook of identity theory and research (p. 267-283), New York, Springer.

- Berzonsky, M, D, & Kuk, L.S, (2000), Identity status, identity processing and transition to university, *Journal of adolescent research*, v. 15, n. 1, p. 81–98.
- Berzonsky, M, D, & Kuk, L.S, (2005), Identity style psychological Maturity, and academic performance, *Personality and Individual Differences*, n. 39, p. 235–247.
- Coldwell, K. J, (1995), Religious effect on level of family functioning, *Journal of Family Psychology*, v. 7, p. 245–260.
- Dudley, M. G, & Kosinski Jr, F. A, (1990), Religiosity and marital satisfaction: A research note, *Review of Religious Research*, n. 32, p. 78–86.
- Duriez, B, & Soenens, B, (2006), Personality, identity styles, and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents, *Journal of adolescence*, n. 29, p. 119–135.
- Ellison, C. G, Bartkowski, J. P, & Anderson, K. L, (1999), Are there religious variations in domestic violence? *Journal of Family Issues*, n. 20, p. 87–113.
- Hunler, O. S, & Genc, OZ, T.I, (2005), The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction, *Contemporary Family Therapy*, n. 27, p. 123–136.
- Kroger, J, (1996), Identity, regression and development, *Journal of Adolescence*, n. 19, p. 203–222.
- Mahoney, A, Pargament, K. I, Jewel, T, Swank, A. B, Scott, E, Emery, E, & Rye, M, (1999), Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, *Journal of Family Psychology*, n. 13, p. 321–338.
- Mahoney, A, (2005), Religion and conflict in marital and parent child relationship, *Journal of Social Issues*, n. 61, p. 689–706.
- Marcia, James, E. (1980). "Identity in adolescent" the chapter five in Adver, J. (1980). *Handbook of adolescent*, New York.
- Marsh, R, & Dallos, R, (2001), Roman Catholic couples: wrath and religion, *Journal of Family Process*, n. 40, p. 343–360.
- Nurmi, J. E, Berzonsky, M. D, Tammi, K, & Kinney, A, (1997), Identity processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well-being, *International Journal of Development*, n. 21, p. 555–570.
- Vignoles, V. L, Schwartz, S. J, & Luyckx, K, (2011), Introduction: Toward an Integrative View of Identity, In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research*, New York: Springer.
- Vleioras, G, & Bosma, H. A, (2005), Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, n. 28, p. 397–409.